

مدیریت بحران حضرت زینب (س) پس از واقعه عاشورا

نویسندگان	وابستگی سازمانی
سیده رقیه رضی نژاد *	دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه (س) مشگین شهر، اردبیل
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	حضرت زینب (سلام الله علیها) بانوی بزرگوار و مهم ترین شخص و در رأس نشر
صفحه	اخبار و واقعه کربلا به جهانیان هستند. برآستی این بانوی بزرگوار اگر نبودند؛ کربلا
دوره ۱، شماره ۵ (شماره پیاپی ۵)	در کربلا میماند. ایشان در عین تمام مصیبت های حاصله از واقعه روز عاشورا
اطلاعات نویسنده مسئول	مسئولیت مهم سر و سامان دادن کاروان را عهده دار بودند؛ کاروانی که اسراء دشمن
نویسنده مسئول	بودند و حضرت زینب (سلام الله علیها) با هدف ابلاغ و رسوا کردن ظلم ها و ستم
کد ارکید	های دشمنان و ابراز حقانیت دین از هر لحظه ای فرصت می جست. در اهمیت الگو
تلفن	بودن این بانوی بزرگوار در ایام مصیبت و سوگواری و عملکردهای ایشان در زنده
ایمیل	نگه داشته شدن آن روزها؛ با گذشت قرن ها از وقوع آن واقعه، مقاله حاضر تحت
	عنوان «مدیریت بحران حضرت زینب سلام الله علیها پس از واقعه عاشورا» به روش
سابقه مقاله	کتابخانه ای گردآوری شده و به روش توصیفی نگارش یافته است. مقاله حاضر به
تاریخ دریافت	بیان راهکارهای مدیریتی حضرت زینب (سلام الله علیها) بعد از واقعه عاشورا
تاریخ ویرایش	پرداخته و به معرفی ایشان بعنوان بانویی که الگوی بارزی در این راستا می باشند،
تاریخ پذیرش	می پردازد.
تاریخ انتشار	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی
واژگان کلیدی	بحران، مدیریت بحران، حضرت زینب (سلام الله علیها)، عاشورا، یزیدیان
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	رضی نژاد، سیده رقیه (۱۴۰۵)، «مدیریت بحران حضرت زینب (س) پس از واقعه عاشورا»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و
دهی	مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۵، شماره پیاپی ۵، (مرداد)، صفحات ۶۱-۷۱

Hazrat Zainab's (Peace Be Upon Her) Crisis Management After the Ashura Incident

Authors		Organizational Affiliation
Sayyedah Ruqayyeh Razinejad*		Level 2 Graduate, Fatimah Seminary (Peace be Upon Him), Meshginshahr, Ardabil
Article Information		Abstract
Article Type	Scientific Research	Hazrat Zainab (peace be upon her) is a noble lady and the most important person and is at the forefront of spreading the news and events of Karbala to the world. Indeed, if this noble lady were not there; Karbala would have remained in Karbala. Despite all the calamities resulting from the incident of the Day of Ashura, she was responsible for the important responsibility of organizing the caravan; a caravan that was the enemy's prisoners and Hazrat Zainab (peace be upon her) sought every opportunity with the aim of informing and exposing the injustices and oppressions of the enemies and expressing the truthfulness of religion. In the importance of this noble lady being a role model in the days of calamity and mourning and her actions in keeping those days alive; with the passage of centuries since that incident, the present article entitled "Crisis Management of Hazrat Zainab (peace be upon her) after the incident of Ashura" has been compiled in a library method and written in a descriptive manner. This article discusses the management strategies of Hazrat Zaynab (peace be upon her) after the Ashura incident and introduces her as a woman who is a prominent role model in this regard.
Pages	61 - 71	
Volume 1, Issue 5, Fifth Consecutive Issue		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Sayyedah Ruqayyeh Razinejad	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09143598286	
Email	seyedeh.razi72@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/06/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Crisis, Crisis Management, Hazrat Zaynab (Peace Be Upon Her), Ashura, Yazidis
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Razinejad, Sayyedah Ruqayyeh (2026), "Hazrat Zainab's (Peace Be Upon Her) Crisis Management After the Ashura Incident", Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 5, forth Consecutive Issue (August), pp. 61 – 71	

۱: مقدمه

حضور آگاهانه حضرت زینب (سلام الله علیها) در جریان حادثه کربلا و عملکرد مدبرانه امام در آماده سازی ایشان برای مواجهه با مصائب یکی از علل رفتارهای مدیریت شده و مدبرانه حضرت زینب (سلام الله علیها) محسوب می شود. این آگاهی علاوه بر یاری ایشان در بررسی اوضاع و انتخاب راهکارهای مناسب، مانع از اقدامات شتاب زده و نادرست میشد. پس از شهادت امام حسین (سلام الله علیها) و بیماری امام سجاد (سلام الله علیها) و ضرورت حفظ جان ایشان از دستبرد امویان و دشمنان اهل بیت (سلام الله علیهم) لازم بود تا امور مربوط به امامت و سرپرستی کاروان اسرا بر عهده فرد دیگری قرار بگیرد؛ کسی که شایستگی این مقام را دارا باشد و بتواند برای مدتی این مسئولیت سنگین را عهده دار شود، امام حسین (سلام الله علیها) حضرت زینب (سلام الله علیها) را شایسته حمل اسرار امامت دانست و این مسئولیت را به او سپرد. حضرت زینب (سلام الله علیها) با پذیرفتن این بار امانت، خود را مسئول مدیریت بحران حاصله برای بازماندگان واقعه عاشورا دانست و با عزت نفس و اقتدار والا، عملکرد مدبرانه ای در قبال سپاه دشمن با برنامه ریزی صحیح به جریان گذاشت؛ که حاصل آن رسوایی دشمن و قبولاندن شکست پس از آن واقعه برای جبهه به ظاهر پیروز و رساندن پیام آن قیام به مسلمان گردید. حضرت زینب (سلام الله علیها) در اوج بحرانی که خود مهمترین عضو بحران دیده واقعه کربلا بود؛ شخصیت مدیریتی مدبرانه به نقاب کشید و با عملکرد صحیح خود، این بحران را ضمن هضم آن به یک اسوه ماندگار بدل کرد. مقاله ای که تحت عنوان مدیریت بحران حضرت زینب (سلام الله علیها) به صورت مستقل نگارش شده باشد توسط نویسنده مقاله حاضر به رشته تحریر کشیده میشود؛ هستند مقالاتی که در رابطه با شخصیت والای حضرت زینب (سلام الله علیها) سیره آن حضرت و الگو قرار گرفتن آن حضرت نگارش یافته باشد. اما، مقاله ای که میتواند همسو با مقاله حاضر تحریر شده باشد؛ مقاله «راهبردشناسی مدیریت بحران در سیره زینب کبری (سلام الله علیها) از حامد پور رستمی و مقاله «نقش حضرت زینب (س) در مدیریت بحران سیاسی مذهبی دوران اسارت» از ولی الله نقی پور فر و دیگران میباشد؛ که بعنوان پیشینه تحقیق معرفی میگردند. مقاله حاضر بیانگر آن است، وجود آدمی همواره همنشین سختیها و مصائب است که سیقل دهنده روح و جان آدمی و نریان عروج وی میباشد. بحرانهای پس از واقعه کربلا بی تردید جان سوزترین بحرانی بود که میتوانست به راحتی هر صاحب مصیبتی را از پای درآورد، اما مصیبت دیدگان به گونه ای تربیت شده بودند که اعتلای روحی آنها، آنها را از آن بحران عبور داد و توانستند ضمن حفظ حرمت، شرافت و شخصیت، خود را از پستی و فرمایگی رها سازند و تن به خواری و زبونی ندهند و این در صورتی ممکن شد که هدایتگری این چنین پیشرو طایفه گردید؛ حضرت زینب (سلام الله علیها) بی تردید همان پیشروی و فرماندهی بود که با شخصیت پر صلابت خود ریسمان هدایت کاروان را به دست گرفت و با شخصیت بارز خود سرنوشت استواری برای کاروان و احیای اسلام رقم زد.

۲: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به مفهوم شناسی مفاهیم متغیر و وابسته پژوهش خواهیم پرداخت.

۲-۱: مدیریت

استاد مطهری مدیریت را این گونه تعریف می کند: مدیریت انسانها و رهبری آنها، عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۳۵). در ادامه میفرماید بهترین رهبرها آنهايي هستند که نیروهای افراد خود را بسیج کرده اند، هماهنگ کرده اند، آرمان واحدی برای آنها به وجود آورده اند. دو هنر از آرمان واحد یکی این که فرد انسانها را آرمانی کردن، دیگر این که گروه انسانها را در یک آرمان جمع کردن (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

۲-۲: بحران

«بحران»، در زبان ساده، به «زمان خطر» یا «نگرانی» اطلاق میشود. در حقیقت، وضعیت یا دوره ای است که در آن، اشیاء نامطمئن، سخت و دردآور هستند. به ویژه زمانی که باید از خطری عمده و اصلی جلوگیری شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۱). در فرهنگ مدیریت آکسفورد، بجای استفاده از واژه بحران، مفهوم های متفاوتی از قبیل «نگرانی»، «فشار عصبی»، «فلاکت» و «هراس» متداول است. در واقع، بحران خطر آئی و رخدادی است که در جهت رفتن به سوی خرابی ناگهان پیش می-آید و یا وضعیتی که خارج شدن از آن مشکل است (کبیری، ۱۳۷۶: ۳۱).

۲-۳: مدیریت بحران

مدیریت بحران در واقع ایجاد آمادگی و فراهم کردن تهیمیدات و تدارکات لازم برای رویارویی با بحران یا به حداقل رساندن آثار تخریبی آن است (آهنچی، ۱۳۷۶: ۸). مدیریت بحران شامل برنامه ریزی مربوط به بحران و فعالیت های قبل، حین و بعد بحران می شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۸). همچنین فینک مدیریت بحران را این گونه توصیف می کند: هنر از بین بردن خطراتی که باعث می شود شما بر سرنوشت خود مسلط شوید. افرادی که در تیم مدیریت بحران فعالیت می کنند، چهار وظیفه مهم را بر عهده دارند: عملکرد سریع، روشن کردن حقائق، ارائه گزارش و تثبیت مشکلات (نقی پورفر و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۷).

۲-۴: خطبه

خطبه، یعنی سخنرانی، آگاه کردن، پرده از روی پنهان ها، اسرارها و پنهان ها برداشتن، خطبه یعنی آنچه را که عامه مردم نمی فهمند به آن ها فهماندن و گوشزد کردن، خطبه یعنی اینکه کسانی که به دروغ بر جایگاهی تکیه زدند و جایگاهشان آنجا نیست رسوا کردن و جایگاه واقعی شان را به مردم معرفی کردن (fa.shafaqna.com). در فرهنگ لغت نیز در معنای سخنرانی، سخنوری، وعظ، موعظه و نصیحت خلق آمده است (معین، ۱۳۸۵: ۴۹۵).

۳: وقایع عاشورا و مصیبت-های وارده در عصر عاشورا

واقعه کربلا یا واقعه عاشورا در دهم محرم سال ۶۱ قمری و به دنبال بیعت نکردن امام حسین (سلام الله علیه) با یزید رخ داد که به شهادت آن امام و یارانش و نیز اسارت اهل بیتش انجامید. واقعه کربلا دلخراش ترین واقعه در تاریخ است. که با مرگ معاویه بن ابی سفیان در ۱۵ رجب سال ۶۰ قمری و شروع حاکمیت فرزندش یزید آغاز شد و با بازگرداندن اسیران کربلا به مدینه پایان یافت. پس از شهادت امام حسین (سلام الله علیه) و یارانش در ظهر عاشورا، در عصر عاشورا سپاه یزید به خیمه های امام حسین (سلام الله علیه) حمله کرد و آن-ها را آتش زد و بازماندگان واقعه؛ زنان و کودکان و امام سجاد (سلام الله علیه) که به علت بیماری در جنگ شرکت نکرده بودند، و حضرت زینب (سلام الله علیها) را به اسارت گرفتند. (Fa.wikishia.net) از وقایع تلخ عصر عاشورا همان بود که عمر سعد سر مبارک امام حسین (سلام الله علیه) را با خولی بن یزید اصبیحی و حمید بن مسلم از دی نزد عبیداله بن زیاد به کوفه فرستاد و سرهای یاران و خاندان او را جمع کرده و هفتاد و دو سر بود و به همراهی شمر بن ذی الجوشن و قیس بن اشعث به کوفه فرستاد. (قمی، ۱۳۷۸، ۴۸۵) و کشته های خودشان را پیدا کرده و دفن نمودند ولی جنازه بی سر و زیر پای اسبان لگد کوب شده امام حسین (سلام الله علیه) و یارانش تا روز دوازدهم محرم عریان در بیابان کربلا بود تا اینکه توسط قبیله بنی اسد و به راهنمایی امام سجاد (سلام الله علیه) دفن شدند. (قمی، ۱۳۷۸، ۴۸۶) بعد از واقعه عاشورا یزید و یزیدیان نه تنها هیچ گونه ترحمی به بازماندگان مصیبت دیده کربلا نکردند بلکه در آوارگی و تخریب و شکنجه آنان چیزی کم نگذاشتند. چنانکه از مصیبت های جانسوز بعد از عاشورا شهادت جانسوز حضرت رقیه (سلام الله علیها) است؛ طفل چهار ساله امام حسین (سلام الله علیه) که شبی از خواب بلند شد و دنبال بابایش بود و غوغایی در خرابه شام به پا شد. وقتی خبر به یزید رسید دستور داد سر مبارک امام حسین (سلام الله علیه) را در برابر طفل معصوم قرار دهند. وقتی حضرت رقیه (سلام الله علیها) سر بابا را شناخت آن را به سینه چسباند و با لحن سوزناکی نجوا کرد: پدر چه کسی تو را با خونت رنگین کرد؟ بابا

چه کسی رگ‌های گردنت را قطع نمود؟ بابا چه کسی مرا در کودکی یتیم نمود؟ بابا دختر یتیم را چه کسی پرستاری میکند تا بزرگ شود؟ بابا چه کسی بر بانوان غارت شده ترحم میکند؟ در همان موقع لبهای کوچک خود را بر لبهای بابای شهیدش نهاد و آنچنان گریه کرد که غش کرد و به شهادت رسید (گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۸۰، ۳۸۴).

۴: اسباب موفقیت حضرت زینب (سلام الله علیها)

حضرت زینب (سلام الله علیها) بیش از هر کسی بحران دیده و صاحب عزای واقعه عاشورا بود که می‌بایست بار امانتی که از برادرش امام حسین (سلام الله علیه) بر دوش کشیده بود به سرانجام رساند، برای هر کسی انجام چنین وظیفه‌ای مقدور نبود، از مواردی که سبب سربلندی حضرت زینب (سلام الله علیها) در مدیریت بحران فراروی بازماندگان واقعه عاشورا شد:

۴-۱: اعتماد به نفس حضرت زینب (سلام الله علیها)

در نظام روان شناختی معاصر، موضوع اعتماد به نفس شاه کلید عبور از بحران هاست. غالباً فرد در شرایط بروز بحران و وضعیت فشار و تنش، توانایی صحیح مدیریت بحران را نداشته و نمیتواند از بین راه حل‌ها و واکنش‌های احتمالی نسبت به وضعیت پیش آمده، مناسبترین و اثربخش ترین شیوه را گزینش و اعمال کند، از این رو، تنش و فشار بر او چیره میشود و با ایجاد تغییرات روانی جسمانی، نظم فعالیت غدد درون ریز وی تغییر کرده، باعث ترشح هورمونهای میشود، و زمینه‌ای برای بروز اختلالات خلقی، اضطراب، استرس، نگرانی، افسردگی، درماندگی و به کار افتاد رفتارهای نابهنجار می‌گردد. با اختلال در تعادل روانی جسمانی شخص، واکنش‌های او به صورت غیرمنطقی تند و خشن جلوه میکند، که ادامه روند فوق، منجر به پیدایش اختلالات دیگر شده و در نهایت، انسان را از وضعیت و شرایط جهت مدیریت بهینه و تصمیم‌گیری صحیح خارج می‌کند (پایفر، ۱۳۸۰: ۱۵۹). حضرت زینب (سلام الله علیها) با شاه کلید اعتماد به نفس خود افسردگی و تنش و هرگونه اختلالات ناشی از بحران را کنترل نموده و تنها بر روی رسالت خود متمرکز گردید و بحران حاصله را با تمام توان خود مدیریت و کنترل نمود.

۴-۲: صبر و شکیبایی

صبر یکی از صفات عظیم حضرت زینب (سلام الله علیها) است. او صبورانه در مقابل دشمن به ایراد خطبه می‌پردازد و در تمامی سخنان خود امر ولایت اهل بیت (سلام الله علیهم) را احیاء میکند و از حيله‌های دشمن و قوتشان باکی ندارد. حَدَلَمَ میگوید: «آن روز به زینب (سلام الله علیها) دختر علی نگریستم، هرگز زنی با شرم را همچون او سخنور ندیده‌ام. گویا از زبان امیرمؤمنان (سلام الله علیه) سخن می‌گفت. به مردم اشاره کرد که ساکت شوید: نفسها برید و زنگ شترها آرام شد.» (ابن ابی طیفور، بی تا: ۲۴). این در حالی است که اگر هر کس دیگری جای ایشان بود مغلوب آن مصیبت عظیم می‌گشت ولی ایشان نه تنها صبورانه در مقابل مصیبت وارده ایستادند حامی بازماندگان نیز شدند.

۴-۳: عقل و تدبیر

حضرت زینب (سلام الله علیها) با تعقل و تدبیر توانست مسائل بحرانی را مورد تحلیل قرار داده و مسائل اصلی را از مسائل فرعی، اهداف دشمن و رسالت خود را تشخیص دهد. چنانکه امام سجاد (سلام الله علیه) فرمود: عَمَّ جان خدروشکر، شما دانای استاد ندیده و فهمیده مکتب نرفته‌ای (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴).

۴-۴: بصیرت

بی شک، مسئولیت مدیریت اسارت به کسی داده میشود که دارای علم به اهداف قیام، اهداف دشمن و روش‌های مقابله با توطئه‌های دشمن باشد و برنامه‌های امام حسین (سلام الله علیه) را به اجرا درآورد. دشمن شناسی حضرت زینب (سلام الله علیها) اصلی‌ترین نکته در بصیرت

ایشان بود. با ارزیابی حيله های دشمن، ميتوان به اهداف آنها پي برد و در مقابل تهديد هايشان را به فرصت بدل کرد. حضرت زينب (سلام الله عليها) در مقابل خون شهيدان احساس تکليف ميکرد و يقين داشت اگر او سخنراني نکند و پيام قيام برادرش، امام حسين (سلام الله عليه) را به کوفيان ابلاغ نکند، حکومت وقت با هر حيله اي که شده آتش اين قيام را خاموش خواهد کرد؛ ايشان با بيان زيبا و علي گونه خود به تشريح ريشه های قيام حسيني و همچنين به افشاي جنايات و ظلم هاي حکومت يزید بپردازد و مردم را آگاه کند (نقی پورفر و ديگران، ۱۳۹۶: ۵۰).

۴-۵: فصاحت و بلاغت

با توجه به اينکه نهضت عاشورا و جريان اسارت يک فتنه و بحران سياسي و مذهبي بود، بصيرت دهی عموم مردم احتياج به يک بيان فصيح و بليغ داشت. شيوای بيان حضرت زينب (سلام الله عليها) به گونه اي بود که دشمن را به عجز انداخت (طبري، ۱۳۸۷: ۴۵۷). خطبه های حضرت زينب (سلام الله عليها) چنان با بيان فصيح و رسايی ايراد ميگشت که براحتی برای عامه مردم اعم از بيسواد و باسواد جامعه قابل فهم و درک بود.

۴-۶: شجاعت

به نظر فريشلر، نويسنده غربي، ايراد آن نطق در کوفه، ثابت ميکند که آن همه مصائب نتوانسته بودند روحيه آن زن را متزلزل کنند، در حالی که خطر قتل ايشان وجود داشت. حضرت زينب (سلام الله عليها) در تمام مراحل اسارت تضرع و التماسی از او مشاهده نشد و حتی به بهای کتک خوردن خود و اسراء هدف خود را معامله نکرد (قائمی، ۱۳۷۶: ۱۷۵). اين از شجاعت آن بانو دم ميزند.

۵: شيوه های مدیریتی حضرت زينب (سلام الله عليها)

بحران شناسی يکی از مهمترين مؤلفه مدیریت بحران است و حضرت زينب (سلام الله عليها) با باور و ايمان خود به هدفش و ايمان به امداد الهی و پيروزی حق بر باطل، بحران پس از واقعه عاشورا را به فرصتی برای انجام رسالت خود، رساندن پيام قيام عاشورا برای عالم و نسل های آتی، تبديل کرد. چنانکه استفاده بهنگام از فرصتها در حمايت از حق و هدايت مردم نقش کليدی دارد و حضرت آيت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب نيز يکی از ويژگی های لازم خواص را اين نکته ميداند: «اگر خواص، در هنگام خودش، کاری را که لازم است، تشخيص دادند و عمل کردند، تاريخ نجات پيدا ميکند و حسين بن علی ها به کربلاها کشانده نميشود» (اسحاقی، ۱۳۸۰: ۱۰۷). در ادامه به بيان شيوه های مدیریتی حضرت زينب (سلام الله عليها) در دوران اسارت می پردازيم:

۵-۱: مدیریت در حیطه فردی

مدیریت خود در هنگام بروز مصیبتها، مهمترين و شاخص ترين ويژگی برای مدیریت بحران هاست و حضرت زينب (سلام الله عليها) از تمام ظرفيت های وجوی خویش، برای مدیریت و ساماندهی اوضاع، استفاده کرد. ايشان سعی نمود علاوه بر مهندسی حوادث واقعه عاشورا از آن شرايط سخت و هولناک واقعه، برای معرفي اسلام ناب و تعميق باورهای دينی بهره جوید. حضرت زينب (سلام الله عليها) توانست با بهره گیری از خرد جامع خود، احساس و عاطفه، توان عبادی خویش و فن بيان و سخنوری خود، صبر سرشار و پشتوانه فکری در سخت ترين شرايط، بهترين و سالمترين تصميمات را در مدیریت بحران اتخاذ کند (www.hawzah.net). حضرت زينب (سلام الله عليها) تا پيش از واقعه عاشورا، فعاليت سياسي مشهوري داشت. ولی رفتار حضرت در واقعه عاشورا و پس از آن، نشان از بصيرت و آگاهی ايشان از زمانه است. حضرت زينب (سلام الله عليها) با شناخت دقيق عصر اميرمؤمنان (سلام الله عليها) و امام حسن (سلام الله عليه) توانست پس از عاشورا به خوبی افشاگری کند و اهداف قيام امام حسين (سلام الله عليه) را به مردم بشناساند. مدیریت حضرت زينب (سلام الله عليها) در بعد مکانی نيز آشکار است. چنانکه آن حضرت به تناسب مکان ادبيات بيانی خود را انتخاب ميکند؛ در کاخ يزید که به پندار مردم آن زمان، مقام خلافت را دارد پسر مست از پيروزی، کشتن فرزندان رسول خدا (سلام الله عليه) را انتقام کشتگان بدر ميداند، چنان با يزید سخن ميگويد که اگرچه تا ساعتی قبل، با چوب خيزران به سر

مقدس امام حسین (سلام الله علیه) اهانت میکرد، با شنیدن سخنان حضرت زینب (سلام الله علیها) ابراز پشیمانی میکند و گناه واقعه عاشورا را به گردن عبیدالله بن زیاد می افکند و از او برائت و بیزاری می جوید (ابومخنف، بی-تا: ۱۹۸).

۵-۲: مدیریت در نحوه جمع-آوری اسراء و روحیه بخشی

مدیریت همه جانبه کاروان و حفاظت از جسم و جان اهل بیت پیامبر (سلام الله علیه) و همچنین تسکین و تقویت روحیه و آرامش مصیبت زدگان کربلا از وظایف خطیر و مهمی بود که زینب کبری (سلام الله علیها) آن را به جان خرید. حضرت زینب (سلام الله علیها) ملجاء و مظهر رحمت الهی برای غریبان و یتیمانی بود که پدران و برادران خود را یکجا، مظلومانه و دردناک در واقعه عاشورا از دست داده بودند. یکی از مراقبت‌ها و حفاظت‌های روحی و معنوی قافله که حضرت زینب (سلام الله علیها) همچون مأمن و مرهمی برای آلام و دردهای سخت روحی و روانی آنها بود و دیگری، بُعد مراقبت‌های جسمی و فیزیکی است که حضرت سپر بلای تازیانه‌ها، گرسنگی‌ها و تشنگی‌های بنی هاشم میگشت. بی تردید، در حوادث تلخ، آنچه بیش از هر چیز برای انسان یا گروهی لازم است، حفظ روحیه و دلگرمی است، در اوج بحرانیها و هجوم طوفانهای بلا، نادر است که فرد دچار ضعف روحیه نشده و به تبع آن موجبات مجموعه را سبب نشود. اما یکی از بارزترین اوصاف حضرت زینب (سلام الله علیها) روحیه والای او و روحیه بخشی شگرف اوست. پس از شهادت امام حسین (سلام الله علیه) و در طول دوران اسارت، این صفت نیکوی حضرت زینب (سلام الله علیها) بیشتر ظهور کرد. او پیوسته یاور غم دیدگان و پناه اسیران بود، از گوی قتلگاه تا کوچه‌های تنگ و تاریک کوفه، از مجلس ابن زیاد تا ستمکده یزید، در همه جا فرشته نجات اسراء بود. حضرت زینب (سلام الله علیها) بانوان و کودکان پراکنده را جمع آوری میکرد و با هر کدام از آنها سخنی میگفت و گریه میکرد. در دمشق وقتی که مرد شامی از یزید خواست که فاطمه، دختر امام حسین (سلام الله علیه) را به کنیزی ببرد این دختر به شدت نگران و لرزان شده و به عمه اش زینب (سلام الله علیها) پناه برد، حضرت زینب (سلام الله علیها) برادرزاده را زیر پر گرفت و به مرد شامی روی کرد و گفت: «تو این آرزو را به گور خواهی برد و یزید هم چنین حقی ندارد.» و با ایستادن در مقابل یزید و ارائه سخن منطقی و دندان شکن، یزید را به عقب واداشت (سید بن طاووس، ۴۱۷ق: ۲۱۸) حضرت زینب (سلام الله علیها) تسلی بخش دل امام سجاد (سلام الله علیه) نیز بود، هنگامیکه امام سجاد (سلام الله علیه) را حزین و اندوهناک مشاهده میکند، میگوید: «مبادا این چیزها تو را بی تاب کند، بخدا قسم این وعده ای است که رسول خدا (سلام الله علیه) به پدر بزرگ، پدر و عمویت داده است. خدا با گروهی از این امت پیمان بسته است که اعضای پراکنده را گرد آورند و این بدنهای غرقه به خون را به خاک سپارند. این گروه برای مرقد پدر بزرگوار نشانه ای برپا خواهند کرد که هیچ گاه از میان نخواهد رفت و گذر شبان و روزان، نشان آن را نخواهد زدود. هر قدر پیشوایان کفر و پیروان گمراهی در زدودن و از بین بردن آن بکوشند، روز به روز اثر آن پدیدارتر و نام آن بلندآوازه‌تر میشود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۹)

۵-۳: دفاع از جان امام

حفاظت از امام سجاد (سلام الله علیه) از مصادیق مراقبت‌ها و مدیریت‌های حضرت زینب (سلام الله علیها) است. بعد از عاشورا در لحظه هجوم دشمنان به خیمه‌ها، شمر تصمیم گرفت امام سجاد (سلام الله علیه) را به شهادت برساند، ولی حضرت زینب (سلام الله علیها) فریاد برآورد؛ تا من زنده هستم نمیگذارم جان زین العابدین در خطر افتد. اگر میخواهید او را بکشید، اول مرا بکشید، دشمن با دیدن این وضع از قتل امام (سلام الله علیه) صرف نظر کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۱). در صحنه ای دیگر حمید بن مسلم میگوید: دیدم زنی خود را به آتش زد و بدنی را بیرون کشید که مثل مرده بود و پاهایش بر زمین کشیده میشد. پیش رتم و پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: زینب، خواهر حسین (سلام الله علیه) است. گفتم: بیمار کیست؟ گفتند: علی بن الحسین است (سپهر، بی تا: ۲۵۳). یا آنکه در مجلس کوفه، امام سجاد (سلام الله علیه) با پاسخ کوبنده خود ابن مرجانه را رسوا نمود، از شدت عصبانیت قصد کشتن امام را کرد که در اینجا نیز زینب کبری فدایی امام خود گشته و درخواست کرد که او را بکشند (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۲۰۲).

۴-۵: خطابه ها و سخنرانی های رسواگرانه یزید و یزیدیان

در برابر بانیان ایجاد بحران یعنی یزیدیان نیاز بود که راهکارها و روش هایی اتخاذ شود تا نتواند نقشه های خود را اجرایی نمایند. به بیان دیگر، اگر زینب کبری تنها سکوت اختیار میکرد و در برابر ظلمها، یاوه گوئی ها، تازیانه ها و شبهه افکنی های دشمن موضع گیری نمیکرد، عرصه برای پیشروی دشمن فراهم میشد و با حفظ آرامش روانی در ظلم خود جولان بیشتری میداد. یکی از راهکارهای حضرت زینب (سلام الله علیها) ایراد خطبه های روشنگر و اقامه شور و عزا بود که نقش بسزایی در بهم ریختن جو روانی دشمن و اختلال در کار آنها داشت. حضرت زینب (سلام الله علیها) با ارزیابی دقیق و ملاحظه اقتضای حال، خطبه ای ایراد نمود که نقش بسزایی در تضعیف دشمن و تبیین حقیقت داشت. خطبه ای که هر یک از بخشهای آن، توانسته بود رکنی از ارکان سلطنت یزیدیان را هدف تخریب و تحقیر خود قرار دهد. حضرت زینب (سلام الله علیها) با هوشیاری و تدبیر در اولین گام، خود و خاندانش را به مردم می شناساند. این حرکت از ظهر عاشورا آغاز شد و در لحظه لحظه سفر کاروان به کوفه و شام در عملکرد عقیده بنی هاشم نمود داشت. وی در نخستین سخنرانی خود در کوفه به معرفی امام حسین (سلام الله علیها) پرداخته و در اشعار و سوگواری های خود که از سوز دل بیان میداشت. الفاظی را به کار میگرفت که اهل بیت پیامبر (سلام الله علیهم) به ویژه وجود مقدس امام حسین (سلام الله علیه) را به مردم معرفی نماید. از اهداف ایراد خطبه را معرفی اهل بیت پیامبر (سلام الله علیهم) و امام حسین (سلام الله علیه) میتوان عنوان کرد. چنانکه، راوی میگوید: در میان کسانی که سرهای شهدای کربلا را حمل میکردند، مردی را دیدم که گویی خورشیدی بر روی نیزه او میدرخشید. او رجزخوانی میکرد و میگفت: «من صاحب نیزه بزرگ و صاحب شمشیر صیقل داده شده و کشته کسی هستم که حقیقت دین است» حضرت زینب (سلام الله علیها) با شنیدن سخنان وی برآشفته و فرمود: وای بر تو! بگو کسی را کشته ام که جبرائیل در گهواره برایش لائلی گفت. میکائیل و اسرافیل و عزرائیل از جمله خدمتگزاران او بودند. او کسی است که از کشته شدنش عرش رحمان به لرزه درآمد. وای بر تو، بگو: من کشته احمد، مرتضی، زهرا، مجتبی، ائمه هدی، ملائکه آسمان و جمیع انبیاء و اوصیا هستم **(بهبهانی، بی تا: ۴۶)**. بی تردید هدف از ذکر اوصاف امام حسین (سلام الله علیها) معرفی و شناساندن ایشان بوده است. از اهداف دیگر خطبه سرایی زینب کبری در حضور مردم کوفه در آن روز، سرکوبی و نکوهش کوفیان بود؛ **حَذَلَمَ** گفت: چون علی بن الحسین (سلام الله علیه) را در حال بیماری با زنان از کربلا به کوفه آوردند، زنان کوفه گریان دریدند و شیون بلند کردند و مردان هم با آنها می گریستند، زین العابدین (سلام الله علیه) با آوازی ضعیف که بیماری، امان او را از دست برده بود فریاد کرد: اینها که گریه میکنند، و جز اینها چه کسی ما را کشته است؟ زینب دختر علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) اشاره کرد تا مردم خاموش شوند؛ **حَذَامَ** اسدی گوید: من بانوی با شرمی ندیدم که از او سخنورتر باشد، گویا از زبان امیرمؤمنان (سلام الله علیه) سخن به قالب میریخت و به مردم اشاره کرد گوش کنند **(قمی، ۱۳۷۸: ۵۰۲)**. زینب کبری با این منطق آتشین و پرمعنای خود، انقلاب را آغاز کرد و اول نتیجه ای که گرفت این بود که خاندان نبوت را از خطر بزرگی که آنها را تهدید میکرد نجات داد، زیرا در هر آنی ممکن بود پسر زیاد بد کینه و بدطینت که اکنون مست پیروزی و از همه چیز بی خبر شده، فرمان قتل عام آنها را صادر کند و یادگاری رسول (سلام الله علیه) را به بردگی گیرد و به بازارهای دوردست کفار بفروشد تا فروش روند و تار و مار گردند. ولی حضرت زینب (سلام الله علیها) چنان ماهرانه و مؤثر نطق کرد که مردم کوفه را فرسنگ ها از حکومت بدبینانه اولاد زیاد عقب راند. **(قمی، ۱۳۷۸: ۵۰۷)**. حضرت زینب (سلام الله علیها) در حالی وارد کوفه شد که سرهای شهیدان بر روی نیزه افراشته شده بود و پیشاپیش کاروان در حرکت بود. جمعیت انبوهی از مردم نیز به تماشای بازماندگان و اسرای آمده بودند که خود دعوت کرده بودند، در شهری که روزی امیرمؤمنان (سلام الله علیه) بر آن حکومت میکرد و برخی از آنها، همان یتیمانی بودند که در سرپرستی وی قرار داشتند. اینک دختر او، حضرت زینب (سلام الله علیه) به اسیری وارد این شهر میشود. در این حال حضرت زینب (سلام الله علیها) خطاب به آنان میگوید: ای مردم کوفه، ای اهل فریب و خدعه، آیا بر ما میگریید؟ هنوز چشم های ما گریان است و ناله های ما خاموش نگردیده است. مثل شما مثل زنی است که رشته های خود را می بافت و سپس می گشود، شما هم به پیامبر خود ایمان آوردید، ریسمان ایمان خویش را محکم بافتید، اما با این گناه عظیم آن را گشودید. آگاه باشید در شما جز چاپلوسی و شر و فساد و نخوت و عجب و بغض و تملق از کنیززادگان و با دشمنان غمازی کردن نیست. **(سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۳۰)**. به جرأت می توان گفت یکی از عوامل مهم

بیداری مردم کوفه و حرکت برای انتقام از قاتلان امام حسین (سلام الله علیه) در قالب قیام هایی همچون قیام توابین و مختار، خطبه های بیدارگرانه حضرت زینب (سلام الله علیها) در کوفه بود. معرفی مردم کوفه و تبیین عناصر شخصیتی آنان، نشان از ژرفای شناخت او نسبت به جامعه و روحیات آنان است که این جامعه شناسی و مردم شناسی نیز میراثی از امیرمؤمنان (سلام الله علیه) است که به گفته جاحظ، سخن شناس عرب، حضرت علی (سلام الله علیه) خصلت و روحیات هر طایفه ای را می شناخت و متناسب با آنان سخن میگفت (شعرانی، بی تا: ۲۱۵). خطبه های حضرت زینب (سلام الله علیها) در برابر دشمنان خونخوار از حنجره زنی اسیر و گرفتار بیرون آمده است، اگر از سرداری نیرومند و امپراطوری ارجمند هم بود، مایه بسی شگفت و خیره کننده خطیبان زبردست بود، آن را جز با کرامت مقام شامخ ولایت زینب نتوان توجیه کرد (قمی، ۱۳۷۸: ۵۰۵) و این شیوایی و رسایی و گیرایی خطبه های آن بانوی عالی قدر را میرساند.

۵-۵: برگزاری مراسم سوگ و عزاء

گریه و عزاداری برای شهدا و کسانی که حقی از آنها پایمال شده است، ترفند سیاسی شیعه است. چنانکه پس از واقعه کربلا نیز با خطبه های حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد (سلام الله علیه) در شام، تا حدودی حقانیت و مظلومیت اهل بیت (سلام الله علیهم) برای مردم آشکار شده بود. حضرت زینب (سلام الله علیها) در تکمیل این آگاهی بخشی و برقراری عزاداری سیاسی، فردی را نزد یزید فرستاد تا به آنها اجازه دهد که برای امام حسین (سلام الله علیه) مجلس عزاء بر پا کنند. یزید هم اجازه داد و مدت هفت روز مجلس عزاء برپا شد. به این ترتیب، چنان بر آگاهی مردم شام افزوده شد که تصمیم گرفتند بر علیه یزید شورش کنند. مروان با اطلاع از این امر، به یزید پیشنهاد کرد که مصلحت نیست اهل بیت در شام بمانند. یزید هم زمینه حرکت آنان به مدینه فراهم نمود (قمی، ۱۳۶۸: ۲۸۶). این عزاداری پایه های حکومت ظلم امویان را در هم فرو ریخت. البته نمیتوان بعد احساسی گریه و عزاداری را نادیده گرفت، ولی آنچه مهم است محوریت و غلبه عقلانیت و هدفمندی بر بعد احساسی عزاداری است که موجب شناخته شدن نهضت امام حسین (سلام الله علیه) میگردد؛ زیرا با عزاداری بر امام، محبت اهل بیت (سلام الله علیهم) در قلب ها ایجاد میشود و هرگز فکر و راه و روش او فراموش نمیشود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۳۴). از کارهای مدبرانه حضرت زینب (سلام الله علیها) برگزاری مجالس سوگواری و مراسم عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل ها بود که فرمود: «اجعلوا سوداء حتی يعلم الناس، اننا فی مصیبه و عزاء لقتل اولاد الزهراء (س)؛ محملها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا هستیم». همچنین حضرت زینب (سلام الله علیها) به طور صریح و مستقیم کاروان را به اقامه عزاء و ماتم امر می کند (ناسخ التواریخ، ۱۳۹۰: ۵۲۲). چراکه او می خواهد با این ناله های جان سوز، عواطف و احساسات مردم را تحریک کند و آنان خود به خود علیه استبداد یزیدیان قیام و شورش کنند و چنین شد. برخی از محققان آورده اند حضرت زینب (سلام الله علیها) مدتی که در شام اقامت داشت در محله ای به نام «دارالحجاره» مراسم عزاداری برپا کرد و آن چنان عزاداری، نوحه سرایی و گریه و زاری می کردند که مردمی که در آنجا شرکت میکردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برند و او را به قتل برسانند (جزایری، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۶). حضرت زینب (سلام الله علیها) اولین کسی بودند که روضه خوانی برای سیدالشهدا را رسم کردند. به یقین حضرت واقف بر این بودند که روضه میتواند نقش نگهبانی و حراست از واقعه کربلا را داشته باشد و آن را به نسل های بعد انتقال دهد.

۵-۶: تبلیغ پیام های اصیل عاشورا

هر قیام و نهضتی از دو بخش خون و پیام تشکیل می گردد، مقصود از خون، همان قیام مسلحانه و مبارزه است که در نهضت عاشورا به شهادت در راه خدا انجامید. مقصود از پیام نیز حفظ اهداف و بیان آرمانهای آن قیام و زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهدا است. پیام رسانی قیام از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا اگر اهداف قیام به درستی تبیین شود، گذر زمان سبب فراموشی اصل قیام می شود و اهداف و آرمان های آن به دست دشمنان، تحریف و دگرگون می شود. به یقین یکی از اهداف امام حسین (سلام الله علیه) از همراه کردن زنان و کودکان، به ویژه حضرت زینب (سلام الله علیها) در سفر کربلا، همین بوده است. حضرت در آستانه عزیمت از مدینه به عراق، به روشنی دو بخش از مبارزه خود را بر می

شماره؛ یکی شهادت و دیگری اسارت. آنان پس از عاشورا، سهم مهمی در بیدارسازی افکار عمومی و رساندن پیام انقلاب بزرگ امام حسین (سلام الله علیه) داشتند. در زمانه ای که تبلیغات گسترده و دامنه داری از طرف حکومت اموی بر ضد اهل بیت (سلام الله علیهم) و برای تحریف اسلام به ویژه در شام وجود داشت. وجود چنین پیام رسانانی ضروری می نمود. بنی امیه همه تلاش و فعالیت های خود را جهت وارونه نشان دادن حقیقت کربلا و فریب عوام به کار گرفته بود و با ایجاد فضایی شبهه افکن و مملو از دورویی و نیرنگ، در پی ایجاد اسلامی منطبق بر خواسته های دنیایی و مادی گرایانه خود بودند. در چنین شرایط بحرانی حضرت زینب (سلام الله علیها) نه فرار از بحران را در دستور کار خود قرار داد و نه مغلوب شدن و کوتاه آمدن در برابر بحران را انتخاب کرد، بلکه با اتخاذ راهبردهایی هوشمندانه، همه تهدیدهای پیش رویش را به فرصتی برای تبلیغ و روشنگری تبدیل نمود. این بانوی قهرمان با بهره گیری از زبان عقل و حماسه، پایه گذار نهضتی مبتنی بر حماسه کربلا گشت، نهضتی که با هدف خونخواهی از قیام امام حسین (سلام الله علیها) و احیاء اسلام اصیل تشکیل گشت و تا همیشه تاریخ استمرار خواهد یافت (www.hawzah.net). حضرت زینب (سلام الله علیها) همچون فرماندهی خبره در جنگ نرم و تبلیغاتی که دشمنان به راه انداخته بودند نه تنها هرگز مرعوب و تسلیم این القانات پوچ نشد بلکه میدان بحران را به فرصت تبلیغ حقایق عاشورا و دمیدن روح مقاومت در دل های به خواب رفته و ترزیز خون قیام در رگ های تاریخ تبدیل کرد و دقیقاً برای همین است که، کربلا در کربلا میماند اگر زینب نبود. بی شک، راز ماندگاری قیام عاشورا را فارغ از اصالت و حقانیت آن، در شخصیت متعالی، راوی، مدافع و علمدار تصویرگری کربلا یعنی حضرت زینب (سلام الله علیها) جستجو کرد.

۶: نتیجه گیری

یکی از مهمترین مؤلفه مدیریت بحران، شناختن آن بحران است. حضور آگاهانه حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه کربلا و عملکرد مدبرانه امام حسین (سلام الله علیه) در آماده سازی ایشان برای مواجهه با مصائب یکی از علل رفتارهای مدیریتی شده و مدبرانه حضرت زینب (سلام الله علیها) محسوب میشود. از اینرو رسالت حضرت زینب (سلام الله علیها) مدیریت کاروان اسراء بعد از واقعه عاشورا و رساندن پیام اصیل آن روز به جهانیان بود. از مواردی که باعث سربلندی حضرت زینب (سلام الله علیها) در بحران فراروی واقعه کربلا گشت: شجاعت، فصاحت و بلاغت، اعتماد به نفس و صبر و شکیبایی ایشان بود. از شیوه های مدیریتی که حضرت زینب (سلام الله علیها) برای انجام رسالت خود در دوران اسارت بکار بستند میتوان به مدیریت در حیطه فردی، مدیریت در نحوه جمع آوری اسراء، دفاع از جان امام علیه السلام، خطابه ها و سخنرانی های ایشان، برگزاری مراسم سوگ و عزاء، تبلیغ پیامهای اصیل عاشورا اشاره نمود. شناساندن جبهه حق علیه باطل رسالت سنگینی است که جز اهل بیت پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار علیه السلام و اهل بیتشان را شایسته کسی نیست. بی شک تربیت علوی و دینی و الهی نتیجه بروز چنین شخصیتی گشته است که الگوی جهانیان در تمامی عرصه ها بوده و می باشند.

منابع

- ابن ابی طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا)، «*بلاغات النساء*»، قم: شریف رضی.
- ابومخنف، لوط بن یحیی (بی تا)، «*مقتل ابومخنف*»، قم: بنی زهرا.
- اسحاقی، حسین (۱۳۸۰)، «*جام عبرت*»، قم: بوستان کتاب.
- آهنچی، محمد (۱۳۷۶)، «*مدیریت سوانح؛ سوابق، مفاهیم، اصول و تئوری ها*»، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- باقری، مصباح الهدی (۱۳۸۰)، «*جنبه های مدیریت بحران پیامبر اکرم*»، مجله اندیشه صادق، دوره اول، شماره سوم و چهارم، صص ۵۵-۸۵.

- بهبهانی، محمدباقر (بی تا)، «*الدمعة الساکبة*»، ترجمه علی سلطانی نسب، بی جا: بی تا.
- پایفر، ویرا (۱۳۸۰)، «*اصول کنترل استرس*»، ترجمه آربن ابوک، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پوررستمی، حامد (۱۳۹۲)، «*راهبردشناسی مدیریت بحران در سیره زینب کبری علیها السلام*»، فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره یازدهم، شماره دوم، صص ۵۵-۸۵.
- جزایری، سیدنوردین (۱۴۰۱ ق)، «*خصایص زینبیه*»، تنظیم و تهیه از عبدالمنتظر مقدسیان، بی جا: میهن.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۶۹)، «*کرامت در قرآن*»، تهران: رجا.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، «*شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*»، تنظیم سعید بندعلی، قم: اسراء.
- سپهر، عباسقلی (۱۳۹۰)، «*ناسخ التواریخ*»، تهران: اساطیر.
- سپهر، عباسقلی (بی تا)، «*طراز المذهب فی احوال سیدتنا زینب علیها السلام*»، جلد اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- سید بن طاووس، علی (۱۴۱۷ ق)، «*اللهوف فی قتلی الطفوف*»، بی جا: نشر مهر.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن (بی تا)، «*دمع السجوم*»، قم: انتشارات علمیه اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، «*الإحتجاج علی أهل اللجاج*»، مشهد: نشر مرتضی.
- قائمی، علی (بی تا)، «*زندگانی حضرت زینب سلام الله علیها (رسالتی از خون و قیام)*»، چاپ سوم، تهران: امیری.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۸)، «*نفس المهموم*»، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- قمی، عباس (۱۳۷۸)، «*در کر بلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم)*»، ترجمه آیت الله باقر کمره ای، قم: مسجد مقدس جمکران.
- کبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «*مدیریت بحران*»، مجله تدبیر، شماره هفتاد و هشتم، صص ۴۵-۵۶.
- کوثری، یدالله (۱۳۸۱)، «*مقابله اثربخش با بحران در زندگی*»، مجله حدیث زندگی، شماره هشتم، صص ۴۵-۵۶.
- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۸۰)، «*موسوعة شهادة المعصومین علیهم السلام*»، جلد دوم، بی جا: نشر نور السجاد علیه السلام.
- مجتهدزاده، فهیمه (۱۳۹۱)، «*مدیریت بحران شهری*»، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، «*بحار الانوار*»، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، «*امامت و رهبری*»، قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۵)، «*فرهنگ فارسی مجموعه یک جلدی*»، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران: راه رشد.
- نقی پورفر، ولی الله و دیگران (۱۳۹۶)، «*نقش حضرت زینب (س) در مدیریت بحران سیاسی مذهبی دوران اسارت*»، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره سی و یکم، صص ۴۵-۵۶.